



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

رویکردی به شرکتهای تعاونی تولید روستایی

زمینه‌های تشکیل شرکتهای تعاونی تولید روستایی (کشاورزی)

تشکیل شرکتهای تعاونی تولید روستایی (کشاورزی) پیامد تحولاتی بود که در اوایل دهه ۴۰ در نظام‌مبنداری کشور رخ داد. از آنجا که اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ بر محور دگرگونی بنیادهای اجتماعی شکل نگرفته بود، نتوانست زمینه توسعه اقتصاد ملی را فراهم سازد. گرچه تا حدود زیادی موفق شد تا مناسبات کهنه را در نظام زمینداری که عمدتاً بر مزارعه و سهم‌بری تکیه داشت از بین ببرد و دهقانان سهم‌بر را به دهقانان خرده مالک تبدیل کند؛ ولیکن پیامد تقسیم زمین که بیشتر بر آوازه‌گرایی متکی بود تا بر هدف توسعه کشاورزی، خردشدن بیشتر واحدهای بهره‌برداری بویژه بهره‌برداریهایی کمتر از دو هکتار بود. (حیدری، ۱۳۷۲)

رها سازی این بهره‌برداریهای بدون سرمایه، امکانات و مدیریت تولید به افت شدید در محصولات کشاورزی منجر گردید. بهم ریختن سازمانهای جمعی تولید و عدم جایگزینی نهادی مناسب به اتلاف منابع در دسترس و کم شدن درآمد بهره‌برداران انجامید. (عبقری، ۱۳۷۴)

حل معضلات به وجود آمده در فضای سیاسی آن هنگام جز با اقدامهایی در جهت تمرکز مدیریت بهره‌برداریهای با مشارکت و نظارت دولت امکان پذیر نبود. (دهقان، ۱۳۷۱)

شرایط جدید ناشی از تحولات در جامعه روستایی، شکل‌گیری شیوه‌های نوین را در سازماندهی روابط تولیدی ضروری ساخته بود. در همین رابطه، دولت سعی کرد با تأسیس شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای تعاونی تولید روستایی و کشت و صنعتها بر مشکل کشت در قطعات کوچک، کمبود سرمایه و امکانات فنی فائق آید. (عبقری، ۱۳۷۴)

بدین ترتیب بود که قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه‌سازی اراضی در حوزه عمل شرکتهای تعاونی تولید روستایی در تاریخ ۱۳۴۹/۱۲/۶ به تصویب رسید که در ماده ۱ این قانون، اهداف زیر مدنظر

اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ و تحولات به وجود آمده در نظام زمینداری وقت منجر به خردشدن اراضی و لغو نظامهای بهره‌برداری سنتی و همچنین، حذف مدیریت تولید گردید. شرایط جدید، شکل‌گیری شیوه‌های نوین را در سازماندهی روابط تولیدی ضروری ساخت؛ لذا دولت سعی نمود با راه‌اندازی شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای تعاونی تولید روستایی و کشت و صنعتها بر مشکلات به وجود آمده فائق آید. که این کار باتصویب قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه‌سازی اراضی در سال ۱۳۴۹ آغاز شد. اولین شرکت در سال ۱۳۵۱ در شهرستان میاندوآب آذربایجان غربی پا به عرصه ظهور گذاشت و متعاقب آن تا سال ۱۳۵۷ تعداد شرکتهای تشکیل شده به ۳۹ واحد رسید. پس از پیروزی انقلاب و با توجه به یک سری عوامل درونی و بیرونی، تعداد ۲۰ شرکت از آنها منحل گردید.

با پایان جنگ و تغییر فضا برای فعالیتهای اقتصادی از سال ۱۳۶۸، مسئولان وقت وزارت کشاورزی با تحرکی جدی نسبت به احیاء و توسعه دوباره شرکتهای تولید روستایی اقدام نمودند و این روند باعث گردید تا پایان برنامه دوم (سال ۱۳۷۸) تعداد این شرکتها به ۵۵۸ شرکت در سطح کشور برسد و تا پایان سال ۱۳۸۰ بالغ بر ۹۲۱ شرکت پا به عرصه ظهور گذاشتند که ۲/۷ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی کشور را در ۴۴۰۵ روستا تحت پوشش خود دارند.

تشکیل شرکتهای تعاونی تولید روستایی به عنوان یک نظام بهره‌برداری جدید ناشی از شناخت روحیه دهقانی و رفع مشکلی بوده که در شرکتهای سهامی زراعی (به علت تملک اراضی کشاورزان) وجود داشت.



- ۱) یکپارچگی اراضی زارعین داوطلب عضو شرکتهای تعاونی تولید روستایی.
- ۲) آشنایی اعضای تعاونی با اصول و شیوه‌های جدید کاشت، داشت و برداشت.
- ۳) حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و خاک.
- ۴) احیای اراضی بایر و موات و مسلوب‌المنفعه در منطقه عمل شرکتهای مزبور.
- ۵) ایجاد صنایع دستی و تبدیلی فرآورده‌های دامی و زراعی و گسترش فعالیتهای مفید غیر کشاورزی.
- ۶) افزایش تولید و درآمد سرانه سکنه روستاها و تأمین رشد مداوم اقتصادی کشور.

در ادامه مطلب در ماده ۱ این قانون، رعایت اصل مالکیت فردی کشاورزان و تأمین حقوق ناشی از آن مورد تأکید قرار گرفته و در تبصره ۱ این ماده تقسیم عواید برحسب سهم و نسق زراعی و نسبت مشارکت زارعین عضو.

بر موضوع حفظ مالکیت اعضای تصریح مجدد شده تا تفاوت آن با شرکتهای سهامی زراعی بخوبی روشن شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تشکیل شرکتهای تعاونی تولید روستایی به عنوان یک نظام بهره‌برداری جدید ناشی از شناخت روحیه دهقانی و رفع مشکلی بوده که در شرکتهای سهامی زراعی (به علت تملک اراضی کشاورزان) وجود داشت. (آهنچی، ۱۳۷۲)

نحوه تشکیل شرکتهای تعاونی تولید روستایی (کشاورزی)

معمولاً شرکتهای تعاونی تولید روستایی مناطق کشور با بررسی کارشناسان کشاورزی از ظرفیتهای تولید کشاورزی روستاها و تشویق بهره‌برداران آن روستاها به عضویت در شرکت تشکیل می‌شود. بنابراین در تأسیس این شرکتها، جنبه دوگانه‌ای از تمایل تعدادی از بهره‌برداران و تشویق مسؤولان ادارات جهاد کشاورزی دخالت دارد.

پس از موافقت اکثریت بهره‌برداران هر منطقه با تشکیل شرکت و پرداخت حق عضویت از طرف آنان، مراحل قانونی تشکیل شرکت انجام می‌پذیرد. در روند قانونی کردن شرکت، سهم عمده توسط ادارات کشاورزی انجام می‌شود.

تأسیس تعاونیهای تولید روستایی

از سال ۱۳۵۱، عملاً تشکیل شرکتهای تعاونی تولید روستایی آغاز شد. اصل آمادگی و داوطلب بودن بهره‌برداران در تشکیل این شرکتهای از جمله مهمترین مواردی بود که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در فروردین ماه ۱۳۵۱، اولین شرکت تعاونی تولید روستایی به نام اوج

تپه کرد در شهرستان میاندوآب از استان آذربایجان غربی تأسیس شد و تا پایان این سال، پنج شرکت دیگر در استانهای اصفهان، کرمانشاه، فارس، کرمان و گیلان راه اندازی شد. این شش شرکت در حدود ۶۶ هزار هکتار زمین و حدود ۱۳۰۰ بهره‌بردار را پوشش دادند. در سال ۱۳۵۲، تعداد ۹ شرکت دیگر تأسیس گردید. سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ نیز به ترتیب ۱۰ و ۱۱ شرکت به تعاونیهای تولید افزوده شد و پس از آن، این روند افزایش متوقف گردید و در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ فقط سه شرکت به شرکتهای قبلی اضافه گشت و تعداد کل شرکتهای تشکیل شده به ۳۹ واحد رسید. به نظر می‌رسد که شروع بحران اقتصادی در کشور و محدودیتهای مالی دولت از عوامل اصلی کندی روند مزبور بوده است.

بحران انحلال شرکتهای تعاونی تولید روستایی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، بحران انحلال شرکتهای تعاونی تولید روستایی به عنوان یکی از مسائل مبرم در بخش کشاورزی مطرح گردید. در همین رابطه، هیأت وزیران دولت موقت در اردیبهشت ۱۳۵۸، یعنی سه ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اختیار انحلال شرکتهای مزبور را به وزیر کشاورزی و عمران روستایی وقت تفویض کرد و لایحه قانونی راجع به رفع مشکلات مربوط به تصفیه این شرکتهای در جلسه مورخ ۵۸/۱/۷۲ به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی رسید.

زمینه‌های انحلال تعدادی از شرکتهای تعاونی تولید روستایی را باید از دو وجه مورد بررسی قرار داد: ۱) زمینه‌های درونی (۲) تحولات بیرونی (الف) بعد درونی

از بعد درونی زمینه‌های انحلال و یا ابقای شرکتهای تعاونی تولید روستایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱) منافع اقتصادی تعدادی از بهره‌برداران که دارای اراضی بیشتری بودند؛ این افراد از مشوقین انحلال شرکتهای، پس از شروع بحران بودند. در بررسیهای موردی که در ۸ شرکت

منحل شده به عمل آمد، نتایج مطالعه نشاندهنده آن است که عقیده اعضا شرکت (۵۶ درصد) این بود که فقط کسانی که اراضی بیشتری در اختیار داشتند، موافق انحلال شرکت بودند. تلقی بهره‌برداران بزرگتر بر این بود که شخصاً درآمد بیشتری به دست خواهند آورد. عده‌ای از اعضای کم‌زمین (۱۵ درصد) نیز فکر می‌کردند که با انحلال شرکت، صاحب اراضی بیشتری خواهند شد؛ زیرا شرکت در طول فعالیت خود، اراضی جدیدی را آماده بهره‌برداری کرده بود و همچنین، طرح واگذاری زمین از طرف هیأت‌های مختلف به افراد کم‌زمین و خوش‌نشینان به این باور، اهمیت بیشتری می‌داد. (محقق، ۱۳۷۰)

۲) ضعف آگاهی اعضای شرکت از منافع حاصل از فعالیتهای جمعی: شرکتهایی که شروع فعالیت آنها با آگاهی و اطلاع کافی شکل گرفته بود، کمتر با مشکل مواجه شدند. بررسیهای موردی نشان می‌دهد

پس از موافقت اکثریت بهره‌برداران هر منطقه با تشکیل شرکت و پرداخت حق عضویت از طرف آنان، مراحل قانونی تشکیل شرکت انجام می‌پذیرد. در روند قانونی کردن شرکت، سهم عمده توسط ادارات کشاورزی انجام می‌شود.

که در شرکتهای ابقاشده، اکثریت اعضا (۸۳ درصد) به ورود داوطلبانه و آگاهانه خویش اشاره داشتند و انحلال شرکت را خلاف منافع خود و دیگر اعضا می دانستند.

این نکته به خوبی نشان می دهد که به عملیات ترویجی و آگاه سازی بویژه در تشکیل شرکتهای جدید باید توجه کافی مبذول شود و گسترش شمار تعاونیها قطعاً و لزوماً با دادن آگاهیهای لازم و خواست آگاهانه بهره برداران همراه باشد.

۳) ضعف مدیران شرکتهای: مدیران دولتی که در تعاونیهای تولید فعالیت می کنند در بسیاری از شرکتهای توانسته اند با هماهنگی با مردم منطقه و اعضای شرکت به موفقیتهای چشمگیری دست یابند. این مدیران با جلب اعتماد و مشارکت اعضا و دادن آگاهی کافی علاوه بر ترویج یافته های علمی و انتقال دانش خود، به عنوان عضوی از خانواده تعاونی پذیرفته شدند و در نتیجه توانستند نقش مؤثری را در ابقای شرکتهای ایفا کنند. عکس این مورد نیز صادق است و آن اینکه در برخی موارد، عملکرد نامطلوب بعضی مدیران جریان انحلال را تسریع کرد. در شرکتهای منحل مورد بررسی، یکی از مواردی که ۲۳ درصد از اعضای

۲) عدم اعتقاد وزیر و مسئولان وقت کشاورزی به ادامه کار این شرکتهای.

۳) کاهش کمکهای دولتی به تعاونیهای تولید روستایی.

۴) اعتقاد به عدم قبول نهادهای تشکیل شده در قبل از انقلاب و وابسته دانستن آنها به رژیم گذشته و باور به اینکه جایگزینهای بهتری می توان برای آنها پیدا کرد.

شرکتهای تعاونی تولید روستایی و ادامه حیات

اوضاع بحرانی اوایل انقلاب، میزان خوبی برای سنجش موفقیت یا عدم موفقیت نظام بهره برداری مبتنی بر تعاونی تولید بود. تعاونیهای تولید از این آزمایش و بحران با موفقیت خارج شدند. از ۳۹ شرکت تشکیل شده در قبل از انقلاب، تعداد ۱۹ شرکت به کار خود ادامه دادند و ۲۰ شرکت منحل شدند. (جدول شماره ۴) با توجه به زمینه انحلال می توان نتیجه گرفت که اگر پاره ای از شرایط نظیر جنگ و ناامنی نبود از تعداد شرکتهای منحل کاسته می شد. نزدیک به ۱۰ سال فعالیت شرکتهای تعاونی تولید روستایی در



سابق شرکتهای، زمینه مخالفت خود را با ادامه فعالیت شرکت مطرح کردند، مسئله عدم هماهنگی مدیران با اعضا و عدم رضایت آنان است.

ب) بعد بیرونی

از بعد بیرونی، زمینه های انحلال شرکتهای تعاونی تولید روستایی از این قرار است:

۱) ناامنی و درگیریهای بعد از انقلاب در بعضی از استانها و شروع جنگ تحمیلی که عملاً ادامه کار بعضی از شرکتهای غیرممکن کرده بود. تعداد ۹ شرکت از ۲۰ شرکت منحل شده در استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و خوزستان (خرمشهر) قرار داشتند. (محقق، ۱۳۷۰)

برده ای از ابهام قرار داشت. اگرچه تعاونیها، بحران سال ۱۳۵۸ را گذرانده بودند؛ اما افزایش در شمار آنها صورت نگرفت. علاوه بر اینکه چگونگی ادامه فعالیت و مسئله شناسایی این شرکتهای به عنوان یک نظام مستقل روشن نبود و آنچه که واقعیت داشت، ادامه کار این شرکتهای بود. با پایان جنگ و تغییر فضا برای توسعه فعالیتهای اقتصادی، گسترش این شرکتهای مورد نظر قرار گرفت. در سمینار مشترک شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستایی و کشت و صنعتها که در اسفندماه ۱۳۶۸ در مشهد برگزار گردید، بخش عمده ای از مقالات و نظرات ارائه شده مبنی بر تأیید و گسترش نظام بهره برداری مبتنی بر تعاونی بود. (سازمان شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید، ۱۳۶۸)

شرکتهای تعاونی تولید روستایی و نتایج عملکرد

نتایج تحقیقات اخیر نشاندهنده آن است که از میان نظامهای بهره‌برداری موجود ایران در سطوح ملی، محلی و یا استانی، دو نوع نظام بهره‌برداری تجاری شامل شرکتهای کشت و صنعت و مزارع و واحدهای شخصی و نظام بهره‌برداری تعاونی، به معنای اخص کلمه شامل شرکتهای تعاونی تولید روستایی از لحاظ معیارهای چندگانه

بهره‌برداریهای تجاری و تعاونی تولید کشاورزی به عنوان دو نوع بهره‌برداری مناسب با فرآیندهای عام توسعه جاری در ایران و جهان مثل رشد عقلانیت، تکامل علوم، تقسیم کار و تفاوت‌پذیری توأم با یگانگی در جهت تحقق جامعه مدنی، حفظ منابع و محیط زیست و... سازگاری بیشتری دارند.



آمادگی ذهنی مسئولان بخش کشاورزی و آمادگی بسیاری از بهره‌برداران در نقاط مختلف کشور و شرایط اقتصادی کشور سبب توسعه کمی در شمار تعاونیهای تولید شد.

وضع موجود شرکتهای تعاونی تولید روستایی (کشاورزی)

در خصوص عملکرد تأسیس شرکتهای تعاونی تولید در برنامه‌های اول و دوم همان طوری که اشاره شد تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد ۳۹ شرکت در کشور ایجاد گردیده بود که تعداد ۹۹۰۰ بهره‌بردار در حدود ۵۰ هزار هکتار اراضی مزروعی را در ۳۱۴ روستا دربر می‌گرفت. بعد از انقلاب، تعداد ۲۰ شرکت منحل شد و ۱۹ شرکت به حیات خود ادامه داد.

با توجه مجدد وزارت کشاورزی سابق به نقش شرکتهای تعاونی تولید از سال ۱۳۶۸، تحرکی جدی در امر ایجاد و توسعه تعاونیهای تولید به وجود آمد که در طول سالهای اول بسیار کند ولی در سالهای بعدی و بویژه در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵، روند افزایش سریعی را طی نموده است. بدین ترتیب، تعداد شرکتهای تعاونی تولید تا پایان برنامه اول (پایان سال ۱۳۷۳) به ۱۶۳ مورد بالغ گردید که با ۳۴۴۵۸ عضو حدود ۵۰۰ هزار هکتار از اراضی مزروعی را در ۹۱۷ روستا تحت پوشش قرار می‌داد.

در برنامه دوم توسعه تا پایان سال ۱۳۷۸، تعداد شرکتهای تعاونی تولید روستایی به ۷۲۱ مورد رسید که با ۱۴۵۲۵۱ عضو، بیش از دو میلیون هکتار از اراضی مزروعی کشور را تحت پوشش خود داشتند. (اسناد، ۱۳۷۹)

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و زیست محیطی مورد توجه در ارزشیابی به ترتیب دارای بالاترین عملکرد بوده‌اند. بنابراین، دو نوع نظام فوق‌الذکر به عنوان دو نظام بهره‌برداری بهینه و مناسب، معرفی و نماینده بخش نوین و سودآور کشاورزی شناخته شده‌اند که توسعه

جدول شماره (۱): پراکنش استانی شرکتهای تعاونی تولید روستایی تا پایان سال ۱۳۷۸

سال برنامه	تعداد تعاونی	میزان اراضی زراعی و باغی	تعداد خانوار عضو	تعداد روستاهای تحت پوشش
برنامه اول تا ۱۳۷۳	۱۶۳	۴۹۹۴۲۲	۳۴۴۵۸	۹۱۷
برنامه دوم تا ۱۳۷۸	۵۵۸	۱۵۲۰۲۲۲	۱۱۰۷۹۳	۱۷۵۰
جمع کل	۷۲۱	۲۰۱۹۶۴۴	۱۴۵۲۵۱	۲۶۶۷

پایدار بخش کشاورزی موکول به نهادمندی و توسعه آنها می باشد. این دو نوع نظام بهره برداری، علاوه بر عملکرد بالا بویژه بهره وری و سود در واحد سطح از ویژگیهایی برخوردارند که بشرح زیر است:

ارزش اقتصادی بالا، تولید برای بازار، سازمان و مدیریت علمی و تخصصی با روابطی نسبتاً عقلانی، مالکیت فردی، سطح اطلاعات و فن آوری بالا، تقسیم کار و تخصص گرایی عمودی و افقی، سازمان کار عقلایی، شیوه توزیع مبتنی بر هنجارهای عام مثل کار و سرمایه، یکپارچگی اراضی و کشت، ایجاد امکان بهزرایی و انجام عملیاتی زیربنایی لازم برای کاربرد روشها و استفاده صحیح و مناسب از ابزار، ماشین آلات و نهاده های نوین کشاورزی، نیروی انسانی نسبتاً آگاه و آشنا با دانش علمی و فنی، با رشد شخصیتی و رضامندی از کار و زندگی که کم و کیف عملکرد این دو نظام را تعیین می کنند به طوری که می توان گفت، عملکرد بالای این دو در درجه اول به نوع و ویژگیهای نرم افزاری، سخت افزاری و نیروی انسانی این بهره برداریها بستگی دارد و به همین دلیل، ارتقای عملکرد و توسعه بخش کشاورزی در درجه اول، موکول به تغییر در نوع و ویژگیهای فوق الذکر است. (عبداللهی، ۱۳۷۷)

بهره برداریهای تجاری و تعاونی تولید کشاورزی به عنوان دو نوع بهره برداری مناسب با فرآیندهای عام توسعه جاری در ایران و جهان مثل رشد عقلانیت، تکامل علوم، تقسیم کار و تفاوت پذیری توأم با یگانگی در جهت تحقق جامعه مدنی، حفظ منابع و محیط زیست و... سازگاری بیشتری دارند.

همچنین این دو نوع بهره برداری با نظام اجتماعی، قوانین اساسی و ویژگیهای روستاییان و روستاها و الگوی خاص توسعه کشاورزی در ایران: یعنی ضرورت تأکید بر ارتقای عملکرد در همه ابعاد از جمله ایجاد صنایع وابسته به کشاورزی به منظور ایجاد اشتغال و ارزش افزوده برای جذب زنان و جوانان روستایی در فرآیند توسعه کشاورزی، ارتقای سطح زندگی کشاورزان و توسعه روستایی تطابق بیشتری دارند.

ایجاد یک تحول کیفی یا نرم افزاری در ساختار کشاورزی ایران به منظور گذار از کشاورزی سنتی به کشاورزان نوین و سودآور نهادمندی و ایجاد پیوند در امور بین نظامهای بهره برداری مناسب با شرایط اجتماعی و طبیعی محل و تحقق اهداف توسعه پایدار، تنها در سایه اتخاذ سیاستها و راهکارهای عملی و اجرایی صحیح و باموقع در جهت ایجاد و تقویت مقدرات و رفع و یا مقایسه با محدودیتهای موجود در سطوح ملی و محلی امکان پذیر است.

طرح صحیح مسائل کشاورزی و تداوم مسائل علمی، قانونمندی توسعه پایدار بخش کشاورزی، محوریت مشارکت مردمی، بازنگری در شیوه های اجرایی قواعد مالکیت عام و مالکیت ناشی از ارث در مورد اراضی زراعی، تصرف و مدیریت منابع تولید، تأمین امنیت اجتماعی و حقوقی لازم برای سرمایه گذاری و فعال سازی بخش خصوصی، یکپارچگی اراضی و کشت، جلوگیری از تقسیم و پراکندگی مجدد اراضی و انجام عملیات بهزرایی، ارتقای سطح مکانیزاسیون و استفاده صحیح و مناسب از ابزار و ماشین آلات، کاربرد روشها و فنون و نهاده های کشاورزی، توسعه صنایع کشاورزی، تربیت نیروی انسانی متخصص، تأکید بر حفظ محیط زیست، چاره اندیشی برای مسائل بعد از

تولید از جمله سیاستهایی به شمار می روند که در سالهای اخیر مورد توجه خاص وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفته اند.

شرکتهای تعاونیهای تولید روستایی و برنامه پنج ساله سوم

مشاهدات ناشی از فعالیت شرکتهای تعاونی تولید روستایی و مقایسه عملکرد این واحدها با سایر بهره برداریهای مجاور، کشاورزان غیر عضو را به استقبال و مشارکت در این تعاونیها تشویق نموده است و به طور روزافزون بر تعداد متقاضیان تشکیل شرکتهای تعاونی تولید روستایی اضافه می گردد؛ لذا در برنامه پنج ساله سوم توسعه این شرکتهای قرار زیر مدنظر برنامه ریزان و مسئولین امر می باشد:

در برنامه پنج ساله سوم در طول سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳، تعداد ۵۰۰ شرکت تعاونی تولید روستایی (هر سال ۱۰۰ شرکت) تشکیل خواهد شد. با توجه به اینکه میزان متوسط اراضی هر شرکت در حدود ۲۵۰۰ هکتار برآورد شده است. در پایان برنامه سوم، ۷۲ میلیون هکتار دیگر از اراضی کشور تحت پوشش این شرکتهای قرار خواهد گرفت.

شایان ذکر است که با گذشت دو سال از برنامه سوم طی سالهای ۷۹ و ۸۰، تعداد ۲۰۰ واحد شرکت تعاونی تولید روستایی (کشاورزی) به شرکتهای موجود افزوده شده و تعداد این شرکتهای در پایان سال ۱۳۸۰ به ۹۲۱ واحد رسیده که ۲/۷ میلیون هکتار از اراضی کشور را در ۴۴۰۵ روستا تحت پوشش خود دارند. (اسناد، ۱۳۸۱)

منابع و ماخذ

- ۱) آهنچی، محمد. (۱۳۷۲) «شرکتهای تعاونی تولید روستایی، توانایی در توسعه کشاورزی کشور» فصلنامه علمی پژوهشی.
- ۲) اعتمادی، یوسف. (۱۳۵۴) «مجموعه قوانین و مقررات مربوط به حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی» جلد ۲. انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی.
- ۳) حیدری، غلامرضا و نیازی، جواد. (۱۳۷۲) «روند توزیع اراضی و پراکندگی قطعات در بهره برداریهای کشاورزی» تهران.
- ۴) دهقان، مهدی و بافکر، هوشنگ. (۱۳۷۱) «تحلیلی پیرامون ضرورت تحول در سازمان تولید» وزارت کشاورزی سابق.
- ۵) سازمان شرکتهای سهامی زراعی و... (۱۳۶۸) «مجموعه مقالات اولین سمینار مشترک شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید و کشت و صنعتها» سازمان شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستایی
- ۶) عبداللهی، محمد. (۱۳۷۷) «نظامهای بهره برداری» معاونت امور نظام بهره برداری وزارت کشاورزی سابق
- ۷) محقق، محمدکاظم و همکاران. (۱۳۷۰) «بررسی تعاونیهای تولید روستایی» معاونت امور نظام بهره برداری
- ۸) اسناد. (۱۳۸۱) «اسناد و گزارشهای درون سازمانی دفتر امور شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید»
- ۹) اسناد. (۱۳۷۹) «اسناد و گزارشهای درون سازمانی دفتر امور شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید»